

نویسنده : فرانسس فوکویاما ما س «Francis Fukuyamas»

منبع و تاریخ نشر : انفارمیشن کلیرنگ هوز «2021-11-19»

برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

پایان هژمونی آمریکا

The end of American hegemony

نفوذ در خارج به رفع مشکلات در داخل بستگی دارد

Influence abroad depends on fixing problems at home

به نظر می رسد که تصاویر وحشتناک افغان های نا امید برای خروج از کابل پس از فروپاشی دولت مورد حمایت غرب در ماه اگست ، نشان دهنده یک مقطع بزرگ در تاریخ جهان است، زیرا آمریکا از جهان رویگردان شده است یا این حال در حقیقت، پایان دوران آمریکا خیلی زودتر از موعد رسیده بود . منابع بلند مدت ضعف وافول آمریکا بیشتر داخلی است تا بین المللی . این کشور برای سال های متمادی به عنوان یک قدرت بزرگ باقی خواهد ماند، اما اینکه چقدر تأثیرگذار خواهد بود به توانایی آن در حل مشکلات داخلی بستگی دارد تا سیاست خارجی اش .



فرار از میدان هوایی بین المللی کابل توسط هواپیمای آمریکا «15-اگست 2021»

دوره اوج هژمونی آمریکا کمتر از 20 سال طول کشید، از فروپاشی دیوار برلین در سال 1989 تا بحران مالی 2007-09. این کشور در بسیاری از حوزه های قدرت - نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی - مسلط بود. اوج غرور آمریکا حمله به عراق در سال 2003 بود، زمانی که امیدوار بود نه تنها عراق و افغانستان (دو سال قبل به آن حمله کرد)، بلکه کل خاورمیانه را بازسازی کند. آمریکا کارآیی قدرت نظامی را برای ایجاد تغییرات عمیق سیاسی بیش از حد ارزیابی کرد، حتی اگر تأثیر مُدَل اقتصادی بازار آزاد خود را بر امور مالی جهانی دست کم گرفت. دهه با گرفتار شدن سربازانش در دو جنگ ضد شورش و بحران مالی که بر نابرابری هایی که جهانی سازی به رهبری آمریکا ایجاد کرده بود، به پایان رسید.

موریانه ها در تخته های فرش «Termites in the floorboards»

درجه تک قطبی در این دوره در تاریخ نادر بوده است، و جهان از آن زمان به حالت عادی تر از چند قطبی با ز گذشته است، با قدرت گرفتن چین، روسیه، هند، اروپا و مراکز دیگر نسبت به آمریکا تأثیر نهایی افغانستان بر ژئوپلیتیک احتمالاً اندک خواهد بود. آمریکا با خروج از ویتنام در سال 1975 از شکست تحقیرآمیز قبلی جان سالم به در برد، اما در کمتر از یک دهه سلطه خود را دوباره به دست آورد. پس چالش بسیار بزرگتر برای جایگاه جهانی آمریکا، چالش داخلی اش است.

جامعه آمریکا عمیقاً دو قطبی شده است، و دستیابی به اجماع در مورد هر چیزی را مشکل یافته است. این دو قطبی شدن بر سر مسائل مربوط به سیاست های مرسوم مانند مالیات و سقط جنین آغاز شد، اما از آن زمان به یک مبارزه تلخ بر سر هویت فرهنگی تبدیل شده است. به طور معمول یک تهدید خارجی بزرگ مانند یک بیماری همه گیر جهانی با دید فرصتی برای شهروندان باشد تا حول یک واکنش مشترک جمع شوند. اما بحران کووید-19 بیشتر به تعمیق شکاف های آمریکا کمک کرد، با فاصله گذاری اجتماعی، پوشیدن ماسک و واکسیناسیون نه به عنوان اقدامات بهداشت عمومی بلکه به عنوان نشانه های سیاسی. این درگیری ها به همه جنبه های زندگی، از ورزش گرفته تا برندها «مارک ها» گسترش یافته است. از محصولات مصرفی که آمریکایی های رنگ قرمز و آبی را خریداری می کنند.

نفوذ آمریکا در خارج به توانایی آن در رفع مشکلات داخلی بستگی دارد

قطبی شدن مستقیماً بر سیاست خارجی تأثیر گذاشته است. در دوران ریاست جمهوری باراک اوباما، جمهوری خواهان موضعی جنگ طلبانه اتخاذ کردند و دموکرات ها را به دلیل «تنظیم مجدد» روسیه و ادعای ساده لوحی در مورد ولادیمیر پوتین سرزنش کردند. دونالد ترامپ با در آغوش گرفتن آقای پوتین جدول را برگرداند و امروز تقریباً نیمی از جمهوری خواهان معتقدند که دموکرات ها تهدید بزرگتر از روسیه برای سبک زندگی آمریکایی هستند.

در مورد **چین** اجماع آشکارتری وجود دارد: هم جمهوری خواهان و هم دموکرات‌ها موافق هستند که این تهدیدی برای ارزش‌های دموکراتیک است. اما این تنها آمریکا را تا کنون حمل می‌کند. اگر تا **یوان** مورد حمله مستقیم چین قرار گیرد، آزمونی بسیار بزرگتر از افغانستان برای سیاست خارجی آمریکا خواهد بود. آیا ایالات متحده حاضر است پسران و دختران خود را برای استقلال آن این جزیره قربانی کند؟ یا در واقع، اگر روسیه به اوکراین حمله کند، خطر درگیری نظامی با روسیه وجود دارد؟ اینها سوالات جدی و بدون پاسخ‌آسان هستند، اما یک بحث مستدل در مورد منافع ملی آمریکا احتمالاً عمدتاً از طریق دریچه چگونگی تأثیر آن بر مبارزات حزبی انجام می‌شود.



بزرگترین شکست سیاسی دولت **جو بایدن**، رئیس‌جمهور آمریکا در سال اول، ناتوانی آن در برنامه ریزی مناسب برای فروپاشی سریع افغانستان بوده است. آقای **بایدن** گفته است که خروج برای تمرکز بر رویارویی با چالش‌های بزرگتر روسیه و چین ضروری است. امیدوارم او در این مورد جدی باشد. آقای **اوباما** هرگز در ایجاد «محور» به آسیا موفق نبود، زیرا آمریکا همچنان بر ضد شورش در خاورمیانه متمرکز بود. در سال 2022، دولت باید هم منابع و هم توجه سیاست‌گذاران را برای بازدارندگی از رقابت ژئوپلیتیکی و تعامل با متحدان بازگرداند.

ایالات متحده احتمالاً موقعیت ژئومونیک قبلی خود را بازیابی نمی‌کند و همچنین نباید آرزوی آن را داشته باشد. آنچه می‌تواند به آن امیدوار باشد حفظ نظم جهانی دوستدار ارزش‌های دموکراتیک با کشورهای همفکر است. اینکه بتواند این کار را انجام دهد به بازیابی حس هویت و هدف ملی در خانه بستگی دارد.

چند سطری در مورد نویسنده این مقاله :

وشیهیرو فرانسیس فوکویاما (/fu:ku:'ja:mə-ka-/)، ژاپنی؛ [ɸɯkwɨˈjama]؛ زاده ۲۷ اکتبر ۱۹۵۲ (دانشمند علوم سیاسی، اقتصاددان سیاسی، و نویسنده ژاپنی تبار است ... فوکویاما همچنین با ظهور جنبش نومحافظه کاران همراه است که از آن زمان تاکنون از آن فاصله گرفته است.

----- **با تقدیم احترامات «2021-11-21»**

